

سدسازی و میراث فرهنگی، تعامل یا تقابل؟ (مطالعه موردی: سد کنگیر ایوان در استان ایلام)

لیلا خسروی^۱

چکیده

سد کنگیر ایوان یکی از سدهای مرزی غرب کشور است که در زمستان سال ۱۳۹۴ آبگیری شد. از تبعات این آبگیری، تخریب چند محوطه مهم فرهنگی-تاریخی، تخلیه جوامع داخل مخزن سد همراه با مهاجرت ناخواسته و اجباری ساکنین حاشیه سد به نقاط دیگر بود. در این میان، چالش‌های فراوانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی (باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و زبان و گویش) برای احداث سدها وجود دارد و مهمترین مسئله این است که با انجام این‌گونه طرح‌های عمرانی و اسکان اجباری خانواده‌های آسیب‌دیده، چه اتفاقی برای ساختار فرهنگی این جوامع و آثار باستانی و پیشینه آنها خواهد افتاد؟ و چگونه باید پاسخگویی پیامدهای آن بود؟ شناسایی آثار و پیامدهای مثبت و منفی ناشی از احداث سد کنگیر بر اساس مطالعات و مشاهدات میدانی نگارنده و ارائه یک نمونه گزارش ارزیابی به عنوان مطالعه موردی، جهت استفاده کارشناسان امر در دیگر طرح‌ها و بارز نمودن نقش مطالعات میراث فرهنگی در طرح‌های عمرانی، هدف اصلی این پژوهش است.

واژگان کلیدی: سدسازی، میراث فرهنگی، سد کنگیر، ایوان، ایلام، فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آبیاری و سدسازی را در مصر قدیم، هنر سلاطین می‌نامیدند و در کشور ما چه قبل و چه بعد از اسلام برای آن، منزلت و مقام بزرگی قائل بودند (کورس، ۱۳۴۸: ۳). امروزه نیز سدهای زیادی در حال ساخت است؛ اما گاهی سدی که با هدف تأمین آب کشاورزی در یک منطقه ساخته می‌شود، به دلیل انباشت رسوبات در زیر آب، از بین می‌رود و بسیار زودتر از زمان پیش‌بینی شده می‌میرد. بدون شک برای ساخت این سدها، استدلال‌هایی از سوی مسئولان و متخصصان مجری آنها ارائه می‌شود؛ از جمله تأمین انرژی، توسعه و تأمین آب مورد نیاز کشاورزی برای مردم منطقه و غیره؛ اما آنان تنها از یک دیدگاه به این فرایند می‌نگرند و عواقب و تجربیات ملی و فراملی در زمینه سدسازی را در کنار این طرح‌ها بررسی نمی‌کنند.

تأمین آب برای کشاورزی نمی‌تواند به قیمت خسارت به آثار باستانی و محیط زیست انجام گیرد. در فرایند سدسازی به دلیل جمع‌آوری آب در دریاچه‌های پشت سدها، آثار چند هزار ساله باستانی، هکتارها زمین قابل کشاورزی و غیره غرق می‌شوند؛ اما چه باید کرد که از این امر گریزی نیست و وزارت میراث فرهنگی نیز بایستی خود را با عمران و پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی عصر حاضر همگام سازد و به طور اضطراری به مطالعه، بررسی و کاوش در این محوطه‌ها اقدام نماید و به ثبت و ضبط و مطالعه این فرهنگ‌ها پردازد؛ در این راستا پیرو تصمیم اداره امور آب استان ایلام، حدود دو دهه پیش، ساخت سد مخزنی کنگیر (تنگ شمیران) روی رودخانه کنگیر ایوان، شروع و در زمستان سال ۱۳۹۴ آبیگیری شد. از تبعات این آبیگیری، غرقابشدن سه محوطه باستانی «گوریه»، «زیج» و «دارساول» بود؛ گرچه در ابتدا کاوش‌های باستان‌شناسی به منظور نجات بخشی و مستندسازی علمی و دقیق آنها در اثر آبیگیری سد کنگیر انجام شد؛ لکن دارای اهداف علمی و سؤالات مهم باستان‌شناختی بود و با توجه به کمبود اطلاعات ما درباره وضعیت شهرها و روستاهای دوران تاریخی در غرب ایران که در صدر اسلام نیز به حیات خود ادامه دادند، اهمیت و ضرورت ادامه کار قابل توجیه بود. سرانجام پس از چالش‌های فراوان، طی توافق با شرکت آب منطقه‌ای ایلام مقرر گردید که تراز نرمال آب رود کنگیر در ۱۰۲۲/۵ متر باقی بماند و محوطه جهانگیر در

فاصله ۳۰۰ متری رود کنگیر، با توجه به قابلیت‌ها و یافته‌های حاصل از آن به عنوان یک محوطه تاریخی در حاشیه حوضچه سد کنگیر و با هدف ایجاد سایت موزه به منظور گردشگری فرهنگی تاریخی در کنار سایت گردشگری طبیعی ایجاد شده، برای اهداف بلندمدت پژوهشی و گردشگری مورد حفاظت قرار گیرد.

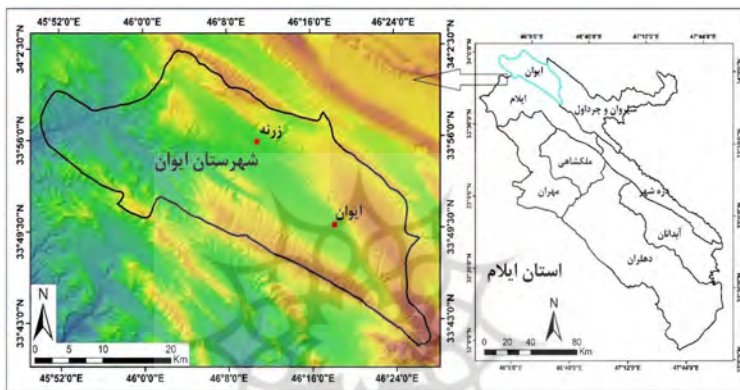
موقعیت جغرافیایی سد کنگیر

سد کنگیر روی رودخانه کنگیر و در محل ورودی تنگه شمیران در شهرستان ایوان در حدود ۶۵ کیلومتری شمال شهر ایلام احداث شده است. شهرستان ایوان از شمال به کرمانشاه، از شرق به شیروان چرداول و از غرب به گیلان غرب و کشور عراق محدود می‌شود. ایوان از شمال توسط کوه بانکول و قلابه و از شرق به وسیله کوه مانشت محصور شده است. آب و هوای ایوان دارای اقلیم معتدل کوهستانی است. موقعیت جغرافیایی و قرارگیری محدوده مورد مطالعه در مسیر بادهای غربی، سبب شده تا میزان بارش این منطقه بیشتر باشد. کنگیر، رودخانه اصلی شهرستان ایوان است که از سراب‌بازان سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از دشت ایوان و مشروب کردن زمین‌های این دشت به طرف سومار می‌رود و از آنجا به عراق سرازیر می‌شود. این رودخانه از موقعیت ویژه و استراتژیک قابل توجهی در منطقه برخوردار است؛ به همین منظور و برای مهار آب آن، همواره سعی شده تا از ورود آن به خاک عراق جلوگیری شود (صفاری و منصوری، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۷).

برخی از پژوهشگران معتقدند که کنگیر یک واژه سومری است. سومریان سرزمین خود را کنگیر می‌نامیدند که به معنای سرزمین تمدن است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۲). ابودلف از دره رودخانه مندلی به نام گنجیر یا سومار که به طرف دجله جاری بوده است، نام می‌برد (ابودلف الخزرجی، ۱۳۴۵: ۱۲۱). در گذشته، سیما و طبیعت کنگیر بسیار زیبا و جالب توجه؛ اما خطرناک بوده است؛ بدین صورت که در بیشتر نقاطی که محل عبور بوده، خاک‌ها و ماسه‌های نرم وجود داشته است که هنگام عبور در آن گیر می‌کرده‌اند و انسان را به کام مرگ می‌کشانده است. به دلیل وجود همین ماسه‌های نرم و



مرگ آور که انسان را به دام می انداخت، مردم محلی به آن گنگیر^۱ می گویند (محمدی، ۱۳۷۶: ۱۶۰). نزاع بر سر آب رودخانه گنگیر سابقه تاریخی دارد که مهمترین این نزاعها در دوره زندیه اتفاق افتاده و سالها علی خان کلهر بر سر ورود آب این رودخانه به مندلی با نیروهای عثمانی درگیری داشته است. پس از مرگ علی خان در زمان نوادگان او قراردادی با دولت عثمانی بسته شد و حقیقه از دولت عثمانی دریافت می کردند (همان: ۷۲)؛ بدین صورت گنگیر تا به امروز وسیله ای برای قدرت نمایی حکومتها بوده است.



شکل (۱). موقعیت جغرافیایی شهرستان ایوان در استان ایلام (نگارنده، ۱۳۹۸)



شکل (۲). موقعیت جغرافیایی سد گنگیر و محوطه های فرهنگی تاریخی واقع در محدوده آن

۱. گَن (Gan) در زبان کردی به معنی بد و گنگیر به معنای به طرز بدی گیر افتادن است.



شکل (۳). نمایی از سد کنگیر پس از آبیگری (نگارنده، ۱۳۹۵)

پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی در منطقه

نخستین مطالعات باستان‌شناسی در محدوده جغرافیایی این منطقه در سال ۱۹۷۰ از سوی لویی واندنبرگ پس از شناسایی و کاوش در گورستان جوب گوهر در ۵ کیلومتری شرق رود کنگیر انجام شد؛ وی سپس به کاوش در گورستان بان کبود (پلیه ۱ و ۲)، آتشکده سیاهگل (سه‌پا یا سه‌کل) و بنای کوریای ساسانی پرداخت (واندنبرگ، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰). پس از او، فریا استارک (۱۳۵۸) نیز از محدوده رودخانه کنگیر و آثار آن دیدن کرد و از آنجا راهی عراق شد. بعد از انقلاب در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ بیان پیرانی به بررسی منطقه پرداخت که در این بررسی، چهار محوطه کوریا، قلعه شمیران، بنای گنبد جهانگیر و مجموعه بناهای گوریه و کلک مورد شناسایی قرار گرفت؛ سپس در سال ۱۳۸۲ به ترتیب با شماره‌های ۸۴۵۶، ۸۴۵۸، ۸۴۶۰ و ۸۴۶۳ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیدند. فصل سوم بررسی منطقه در سال ۱۳۸۴ توسط علی نورالهی و فصل چهارم در سال ۱۳۸۵ توسط صیاد سلطانی انجام شد. پس از آن بررسی و شناسایی حوضچه آبیگر سد کنگیر در سال ۱۳۸۶ به ابراهیم مرادی واگذار گردید که در این حوضه ۱۱ اثر باستانی شناسایی گردید (مرادی، ۱۳۸۶). بر اساس تراز نرمال آب سد، سه محوطه گوریه، زیج، دارساوول مغروق و محوطه جهانگیر در معرض خطر قرار می‌گرفت که در سال ۱۳۹۴ مدیریت کاوش باستان‌شناسی در محوطه‌های مذکور به نگارنده واگذار شد.



جغرافیای تاریخی منطقه

در دوران ساسانی و آغاز اسلامی، استان ایلام به دو ایالت مهرجان قذق و ماسبذان تقسیم می‌شده که محدوده سد کنگیر در بخشی از ایالت ماسبذان قرار می‌گرفته است. گسترش ایالت ماسبذان در کوست خوربران در اواخر دوره ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی از سیمره تا نواحی خرم‌آباد و اطراف آن بوده و از غرب به نواحی مرز عراق امروزی محدود می‌گردیده و این استان یکی از نه استان کوست خوربران، یعنی ناحیه غربی ایران بوده است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۴۳). کوست خوربران یا ناحیه غربی ایران همان است که در دوره اسلامی «ایالت جبال» نامیده شده و این نامگذاری به خاطر کوهستانی و صعب‌العبور بودن این منطقه بوده است (پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۴۰). بر اساس منابع تاریخی کاملاً روشن است که ماسبذان یک محیط جغرافیایی بزرگ در حد یک استان یا ایالت بود نه یک شهر، اشتباهی که برخی از جغرافی‌نویسان مرتکب آن شده‌اند. ماسبذان استانی بوده است که شهرهای سیروان، الرذ و آریوحان از توابع آن بوده‌اند و به اصطلاح، ماسبذان محیط بر این شهرها بوده است.

ابودلف از طریق مندلی در دره رودخانه کنگیر یا سومار به سمت ماسبذان و مهرجان قذق آمده و مینورسکی این مکان را با ایوان که یکی از سرچشمه‌های رود کنگیر است، یکی می‌داند (اکبری، ۱۳۹۴: ۶۵). با توجه به متون تاریخی، محدوده شهر آریوحان را باید در شهرستان ایوان جستجو کرد. راولینسون نیز معتقد بوده که مرکز آریوحان همان زرنه است که تا قرن ۱۳ میلادی به نام آریوحان شهرت داشته است. یاقوت حموی از آریوحان نیز نام برده و اشاره کرده است که رودخانه‌ای در آن جریان داشته و به مندلی که در قدیم بندنجین نام داشته، می‌ریخته است؛ بنابراین تنها زرنه با آریوحان می‌تواند یکی باشد (مظاهری، ۱۳۸۹: ۵۱). بر اساس متون، دو نشانه از آریوحان وجود دارد: یکی شهری که آتشفشان از فاصله دور در آن دیده می‌شود و دوم آب رودخانه شهر که به بندنجین (مندلی) سرازیر می‌شود. ظاهراً منطقه «چکر بولی» در سرحدات مرزی ایران و عراق از توابع شهرستان ایوان، قبلاً آتشفشانی فعال داشته که امروزه خاموش است. در متون تاریخی نام آریوحان، دومین شهر بزرگ ماسبذان به اشکال مختلف آمده است. سمعانی آن را آذیوخان آورده و

به گمان وی، یکی از روستاهای نهاوند است. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه آن را ادیوجان نوشته و یکی از روستاهای نهاوند دانسته و مسعودی در التنبیه و الاشراف شهر مذکور را به شکل اربوجان ذکر کرده است (قوچانی، ۱۳۷۳: ۵۲-۱).



شکل (۴). سکه ابوالنجم بدرین حسنویه ضرب آریوحان (همان ۱۳۷۳: ۵۱)

بررسی شواهد مکتوب نشان می‌دهد که اطلاعات جغرافیای تاریخی پیرامون ایالت ماسبذان از نوشته‌های قرون نخستین اسلامی به دست می‌آید و جغرافی نویسان قرون میانه و متأخر اسلامی در گزارش‌های خود به حدود و ثغور این ناحیه کمتر پرداخته‌اند. ماسبذان در دوره ساسانی و قرون نخستین اسلامی، منطقه‌ای آباد بوده است؛ اما از قرن چهارم هجری به بعد اطلاعات روشنی از آن در دست نیست. از این پس شهرنشینی در ایلام از بین می‌رود و و دیگر نامی از رونق و آبادانی این ایالت برده نمی‌شود؛ به هر حال ایوان یکی از مناطق مهم قدرت در دوران تاریخی، به‌ویژه در زمان ساسانیان بوده است. در این دوره بر اثر افزایش جمعیت، شهرنشینی و شهرسازی، گسترش چشم‌گیری پیدا کرده و به نظر می‌رسد که علاوه بر عوامل سیاسی، جغرافیا عاملی تأثیرگذار و فعال در برپایی و افول این شهرها بوده است.

ضرورت انجام پژوهش‌های بنیادین قبل از ساخت سدها

با پیدایش مفهوم توسعه پایدار، انسان همواره به عنوان محور اصلی توسعه،

مطرح بوده و در تمامی مطالعات مد نظر قرار گرفته است. کیفیت زندگی مردم و تغییرات آن در راستای توسعه از اصلی‌ترین شاخص‌های سنجش روند نیل به توسعه پایدار است و می‌تواند نشانگر خوبی برای بهره‌مندی افراد یک جامعه از دستاوردهای آن به شمار آید. به همین علت در مطالعات طرح‌های توسعه از جمله سدسازی، شناخت وضع موجود زندگی مردم منطقه از لحاظ کیفی و همچنین تأثیرات پروژه روی آن از جایگاه و اهمیتی ویژه برخوردار است. کشور ما هنوز از جمله کشورهای توسعه‌یافته است و توسعه باید در صدر برنامه‌های دولت جای گیرد؛ ولی توسعه، یک سکهٔ دورو است که یک روی آن، رفاه حاصل از توسعه و روی دیگر آن اثرات مخربی است که بر اثر توسعهٔ شتاب‌زده و بی‌برنامه در محیط بروز می‌کند. اگر محدودیت‌های محیط و فرهنگ یک منطقه و تخریب‌های به‌عمل آمده در آن نادیده انگاشته شود، توسعه در نهایت پایدار نخواهد ماند و ارزیابی توسعه با پیش‌بینی پیامدهای ناگوار آن، کوششی در پیشگیری از بروز این پیامدهاست و این امر افزایش آگاهی در جهت رسیدن به توسعه پایدار را در پی خواهد داشت. با این وجود، شتاب روند توسعه در سطح جهان در برخی موارد موجب اجرای پروژه‌هایی شده است که اثرات منفی آنها نه تنها مشکلات جانبی فراوانی را فراهم آورده؛ بلکه در مواقعی حتی خود پروژه را از مسیر نفع‌رسانی خارج ساخته است؛ به عبارت بهتر، در جایی که تکنولوژی، بسیاری از مسائل را حل می‌کند، خود نیز مشکلات جدیدی به بار می‌آورد که برای حل آنها نیاز به تخصص سایر کارشناسان ذیربط دارد. شناسایی آثار و پیامدهای مثبت و منفی ناشی از احداث سد کنگیر بر اساس مطالعات و مشاهدات میدانی نگارنده و ارائهٔ یک نمونه گزارش ارزیابی به عنوان مطالعهٔ موردی، جهت استفادهٔ کارشناسان امر در دیگر طرح‌ها و بارز نمودن نقش مطالعات میراث فرهنگی در طرح‌های عمرانی، هدف اصلی این پژوهش است.

تناقض در مطالعه و نتایج ساخت سدها

به رغم تبلیغات گسترده‌ای که در مورد مزایای ساخت سدها انجام می‌شود، پیامدهای مختلف احداث پروژه‌های عمرانی در رابطه با وضعیت معیشت اهالی، اکوسیستم و هویت تاریخی منطقه و روستاهای اطراف آن موضوعی

است که از بدو امر مورد غفلت قرار می‌گیرد و اگر هم مطالعات آسیب‌شناسی آن انجام شود، در حد یک گزارش مکتوب بایگانی می‌شود و هیچ‌گاه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. نوع تعامل سازندگان این پروژه‌ها با اهالی محدوده آن نیز نارضایتی‌های فراوانی را ایجاد کرده است و پس از گذشت چندین سال از احداث آنها، روز به روز ابعاد تازه‌تری از اثرات زیانبار این پروژه‌های ملی آشکار می‌شود، زیرا پیش از انجام پروژه‌ها، اثرات فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و زیست‌محیطی این طرح‌ها بررسی و مطالعه نشده یا به دلایل متعدد از جمله فشار کارفرما، نتایج ارزیابی مثبت ارائه شده است.

اثرات زیانبار ساخت سد کنگیر بر فرهنگ و آثار تاریخی

باستان‌شناسان و دوستداران فرهنگ و تاریخ، اولین معترضان احداث سدهایی نظیر کنگیر بودند و در مورد غرقاب شدن سه اثر مهم تاریخی گوریه، دارساول و زیج هشدارهای جدی داده شد؛ حتی انجام عملیات حفاظت نیز تأثیری در حفظ و نگهداری آنها نداشت، زیرا در حین کار و قبل از اتمام کاوش‌های محوطه‌ها، آبگیری سد کنگیر و بارش‌های سیل‌آسای زمستانی شروع شد و پیگیری‌های فراوان جهت جلوگیری از آبگیری نهایی سد و نجات بنای گوریه، که یک اثر مهم ثبت شده در فهرست آثار ملی نیز بود؛ همچنین توجه مسئولان استان ایلام برای تبدیل آن به یک سایت موزه جهت جذب گردشگران در کنار دریاچه سد، مؤثر واقع نشد (خسروی، ۱۳۹۴: ۱۴).



شکل (۵). نمای از بنای گوریه قبل و پس از آبگیری سد کنگیر (نگارنده، ۱۳۹۵)

اثرات زیانبار ساخت سد کنگیر بر مردم و معیشت آنها

با آبیگری سدها، آبادی‌ها و زمین‌های کشاورزی و مسکونی مردم آن منطقه غرق می‌شود. در آبیگری سد کنگیر، روستای بزرگ سرتنگ سفلی به زیر آب رفت و اهالی آن در حاشیه مخزن سد کنگیر قرار گرفتند و اگرچه منازل مسکونی آنها غرقاب نشد؛ اما با به زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی، قدرت تولید و مشاغل خود را از دست دادند و عده‌ای از آنها چاره‌ای جز مهاجرت به شهرک تازه تأسیس اندیشه در شمال شهر ایوان یا بندرعباس برای کارگری در گمرگ را نداشتند. کوچ اجباری جمعیت، اولین نتیجه احداث و آبیگری سدهاست.

سوابق عملکرد وزارت نیرو به عنوان مجری پروژه‌های سدسازی، نشانگر بی‌توجهی آنها به تعهدات خود در احداث مجدد زیرساخت‌های آموزشی، فرهنگی، درمانی و غیره در محدوده سدهاست. پایبند نبودن به این تعهدات، مشکلات بسیاری را برای بازماندگان این جابه‌جایی به وجود خواهد آورد؛ این مشکلات و اختلال در زندگی گذشته اهالی و همسایگان این پروژه‌ها، کوچ ناخواسته و روی‌آوری به حاشیه‌نشینی شهرها را رقم خواهد زد. بدون شغل و مسکن بودن و دورافتادگی از جایگاه آب و اجدادی تعداد زیادی از مردم که به حاشیه‌نشینی شهرها روی می‌آورند، از اثرات زیانبار و حاصل احداث این پروژه‌هاست که به فاصله چند سال و به تدریج نمایان می‌شود. تأثیرات منفی این پراکندگی اجتماعی و قومی، هم برای مهاجران و هم برای شهرهای میزبان به وضوح قابل مشاهده خواهد بود.

اجرای ناقص طرح‌های سدسازی بخشی از فرایند طرح‌های وزارت نیرو است و تأسیسات جانبی احداث شبکه‌های آبیاری در پایبندست، همیشه در اجرای سدها به فراموشی سپرده می‌شود. تعجیل وزارت نیرو در افتتاح سد کنگیر، بدون در نظر گرفتن سایر مسائل جانبی طرح، ضررهای زیادی به میراث فرهنگی، محیط زیست و ساختار اجتماعی منطقه زد. مسئله دیگری که هیچ‌گاه به آن پرداخته نشده و وزرات نیرو آن را مورد توجه قرار نداده است، آسیبی است که احداث این سدها بر مراتع و محل زندگی عشایر وارد می‌آورد. متأسفانه چون مشکلات عشایر فاقد متولی است، هیچ تمهیدی برای جایگزینی مراتع و محل سکونت آنها اندیشیده نمی‌شود. با توجه به اینکه

از دیرباز یکی از مشاغل مهم منطقه، دامداری بوده و محل زندگی دامداران، مراتع و مسیرهای کوچ در این منطقه به زیر آب رفته است، هیچ آمار دقیقی از میزان خسارات دامداران در دست نیست؛ اما نکته قابل ذکر کاهش تولیدات دامی و شغل دامداری در منطقه است.

گلایه‌هایی نیز در مورد اشتغال افراد غیربومی پس از تکمیل پروژه و در مرحله بهره‌برداری سد وجود دارد؛ چنانکه در حادثه درگیری بین متصدیان سد و مردم منطقه چندین نفر نیز جان باختند؛ اما پس از افتتاح این پروژه به رغم آمار بالای بیکاری در منطقه، اکثر نیروها از استان‌های همجوار جذب شدند. بازسازی امکانات معیشتی و اجتماعات انسانی در محدوده سد و ایجاد فرصت‌های شغلی نیز می‌بایست در شمار تعهدات سازندگان این پروژه لحاظ می‌شد تا آسیبی به هویت قومی مردمان این مناطق وارد نشود. وزرات نیرو نیز علی‌رغم بازگشت سرمایه احداث این سدها در طی چند سال و با وجود نابودی زندگی مردم، از عمل به تعهدات خود در خصوص احداث زیرساخت‌ها سرباز می‌زند.

جمع‌بندی موارد فوق ما را با این پرسش‌ها مواجه می‌کند که آیا می‌توان اثرات زیان‌آور این پروژه‌ها را نادیده گرفت و احداث آنها را عملی موفق دانست؟ و با توجه به احداث سدهای متعدد در حوزه زاگرس، می‌بایست به انتظار چه تعداد از ساکنان و آثار فرهنگی تاریخی آسیب‌دیده در محدوده احداث این سدها نشست؟ عدم اجرای راهکارهای کاهش اثرات و دستورالعمل‌های مدیریتی ارائه‌شده در گزارش‌های ارزیابی سدها، یکی از معضلات این مطالعات بلااستفاده است. اصولاً برخی از سدها در صورت اجرای برنامه‌های اصلاحی مجاز به ساخت تشخیص داده می‌شوند؛ ولی متأسفانه بعد از اینکه سدها مجوز احداث خود را از وزارت میراث فرهنگی و محیط زیست دریافت می‌کنند، هیچ‌گونه نظارتی بر اجرای برنامه‌های اصلاحی و راهکارهای کاهش اثرات، از سوی هیچ سازمان دولتی یا غیردولتی تعریف یا مشخص نشده است که همین امر منجر به عدم اجرای این برنامه‌ها می‌شود. به طور کلی، عواقب ساخت سد کنگیر را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

- غرقاب شدن سه محوطه مهم باستانی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی؛
- نبود فرصت‌های شغلی جدید برای افراد ساکن در منطقه؛



- عدم وجود امکانات فرهنگی، رفاهی، بهداشتی و غیره در منطقه؛
- اختلالات و درگیری‌های قومی و طایفه‌ای.



شکل (۶). نمای از روستای سرتنگ سفلی قبل و پس از آبیگری سد کنگیر (نگارنده، ۱۳۹۵)

- راهکارهای لازم جهت کاهش آثار سوء طرح‌های عمرانی بر آثار فرهنگی - تاریخی، محیط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم منطقه
- استعلام وزارت نیرو از وزارت میراث فرهنگی در فاز اول مطالعات سدها؛
 - آشنا کردن مردم با چگونگی و روند انجام طرح عمرانی و استفاده از نظرات آنها در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت دادن آنان در عملیات اجرایی؛
 - ایجاد زمینه‌های آموزشی برای ارتقای سطح فرهنگی منطقه؛
 - جلب اعتماد مردم از طریق پرداخت خسارات مالی و خرید اراضی‌ای که غرقاب می‌شوند و در صورت امکان تأمین اراضی مناسب کشاورزی در منطقه‌ای دیگر برای روستاییان به منظور جلوگیری از مهاجرت آنها به شهر؛
 - پیش‌بینی امکانات مناسب زندگی برای افرادی که در طی اجرای پروژه مجبور به کوچ می‌شوند؛ مانند خدمات آموزشی، بهداشتی و شغلی و اتخاذ سیاست‌هایی نظیر تجدید نظر در قیمت‌گذاری اراضی منطقه، مالیات‌ها و نظایر آن به عنوان اهرم‌هایی برای کمک به مردم و جهت‌دهی به توسعه منطقه؛
 - توجه ویژه به افرادی که به طور مستقیم از اجرای پروژه متضرر می‌شوند و تلاش جهت القای این اندیشه که این افراد از بهره‌وران

اصلی طرح خواهند بود؛ همچنین لازم است، دقت خاصی در جهت اسکان آنها در مناطقی که بتوانند به شیوه‌های زیستی خود ادامه دهند، به عمل آید؛ به طوری که این امر باعث فروپاشی سنت‌ها و آداب و رسوم اجتماعی آنان نگردد.

سد کنگیر، تعامل یا تقابل برای میراث فرهنگی؟

از دو دهه پیش با افزایش پروژه‌های عمرانی سدسازی در ایران، بخش عمده‌ای از محوطه‌های باستانی و تاریخی کشور غرقاب شدند. اختصاص بودجه به مطالعات و کاوش‌های آثار تاریخی پشت سد‌ها همواره با تأخیر و اولویت آخر بوده است و تبعات چنین وضعیتی، کاوش‌های اضطراری و ضرب‌الأجلی و سریع است که در برخی مواقع کیفیت مطالعات را تا حد زیادی پایین می‌آورد. از دید علمی و تخصصی و با توجه به تجربه سرپرستان کاوش در این حوزه می‌توان گفت که کاوش ضرب‌الأجلی، مطمئن‌ترین راه برای حفظ و صیانت از میراث فرهنگی چندین هزارساله نیست؛ چراکه با وقت کم و نبود بودجه کافی برای پروژه‌های باستان‌شناسی سد، مسلماً بخش اندکی از محوطه‌های باستانی مورد کاوش قرار می‌گیرند (عابدی، ۱۳۹۵: ۹۱)؛ در هر حال، میراث فرهنگی چاره‌ای جز مقابله با تهدیدات پیش رو را ندارد؛ اما با توجه به شرایط موجود می‌تواند در دامنه منفعت و ضرر با تعامل و هم‌اندیشی به منفعت دست یابد. وجود محوطه‌های تاریخی متعدد در حوضه آبرگیر سدهای در حال ساخت در سطح کشور ایجاب می‌کند با هدف ایجاد گردشگری باستانی و طبیعی در کنار این سدها، شیوه‌های نوینی برای معرفی و ساماندهی آنها در قالب مباحث آسیب‌شناسی و رفع آسیب‌های واردشده به اثر تاریخی، با توجه به حفظ اصالت و یکپارچگی آن با کمترین دخالت در ارزش‌های تاریخی فرهنگی و مستندات اصیل آن، مطرح شود و مورد استفاده قرار گیرد؛ چراکه استفاده از قابلیت‌های این آثار تاریخی از جنبه‌های مختلف در کنار برنامه‌های سدسازی قابل توجیه است. یکی از راهکارهای ساماندهی این محوطه‌های تاریخی به صورت علمی و منسجم برای ایجاد زمینه فعالیت‌های تحقیقاتی، پژوهشی، گردشگری و غیره در حوضه آبرگیر سدها، راه‌اندازی Historical open Meusem است. Historical open Meusem، محوطه‌های باستانی و سایت‌های تاریخی را



در بر می‌گیرند که فصول کاوش‌های باستان‌شناسی را طی کرده‌اند و هدف از آنها معرفی برخی از آثار مورد کاوش در منطقه است و آنچه در این رابطه با اهمیت به نظر می‌رسد در درجه اول، منظر فرهنگی و در درجه دوم، نوع و کیفیت معرفی و نیز ابزارهایی است که در این معرفی مورد استفاده قرار می‌گیرند (ساعتیان، ۱۳۹۳: ۱۵۷). امروزه در کشورهای پیشرو در عرصه‌های میراث فرهنگی و گردشگری، ایجاد چنین موزه‌هایی از اولویت‌هاست و علت آن را در استقبال عموم و بر جای گذاشتن تأثیرات زیاد بر رشد و توسعه محوطه در کوتاه‌مدت می‌توان جستجو کرد. با توجه به اهمیتی که امروزه به لحاظ دیدگاه‌های جهانی و سازمان‌های مرتبط در این عرصه نظیر ایکوموس در جهت نگرش به سایت‌ها و محوطه‌های تاریخی وجود دارد، می‌بایست محوطه‌های تاریخی که ارزش فرهنگی تاریخی دارند به صورت یکپارچه در قالب منظر فرهنگی معرفی شوند. هر کدام از این محوطه‌ها خود باید شاخص‌هایی جهت تبدیل شدن به موزه‌های باز را داشته باشد:

- توانمندی‌های منطقه با توجه به زیرساخت‌های موجود و بالقوه؛
- قدمت و جغرافیای تاریخی؛
- عرصه و حریم مصوب؛
- موقعیت مکانی و جغرافیایی؛
- نظام دسترسی؛
- وضعیت تملک؛
- کیفیت دید و منظر؛
- سوابق کاوش‌های باستان‌شناسی و برنامه‌های حفاظتی؛
- طرح‌های بالادست منطقه‌ای، نقشه کاداستر و ... که محوطه جهانگیر در حاشیه رود کنگیر، تمام متغیرها و پارامترهای مذکور را برای ایجاد گردشگری باستانی و تاریخی در کنار گردشگری طبیعی در حوضچه سد کنگیر را داراست.



شکل (۷). نمایی از محوطه جهانگیر پس از کاوش در حاشیه حوضچه سد کنگیر (یاری، ۱۳۹۶)

طراحی و ایجاد سایت موزه مجازی محوطه جهانگیر

در دنیای علمی امروز، حفاظت از میراث فرهنگی و چگونگی نمایش و طبقه‌بندی این آثار از اهمیت بالایی برخوردار است. با پیشرفت و رشد فناوری‌های دیجیتال، دسترسی به اطلاعات تصویری و متنی می‌تواند در فضای دیجیتال تسهیل یابد. طرح مذکور با یاری گرفتن از تکنولوژی‌های جدید و فناوری اطلاعات، راهی نو را برای به نمایش گذاشتن محوطه جهانگیر معرفی می‌کند. در این طرح، بستری ایجاد خواهد شد تا پژوهشگران و علاقه‌مندان از اقصی نقاط جهان به یافته‌های باستان‌شناسی این محوطه دست یابند. ایجاد سایت موزه مجازی برای محوطه جهانگیر برای اهداف توریستی و مستندنگاری در راستای کاربردهای مدیریتی، آموزشی و پژوهشی بسیار مفید است. سایت موزه‌های مجازی به گونه‌ای ارائه می‌شوند که بازدیدکننده بتواند به صورت مجازی به واقعیت موجود در آن محوطه پی ببرد؛ علاوه بر این، باستان‌شناسان و پژوهشگران با چنین راهکارهایی می‌توانند در آینده بدون حضور در سایت، تمام نقاط محوطه را با جزئیات دقیق و سه‌بعدی مشاهده نمایند و تحلیل‌های خود را با کمک این تصاویر به خوبی انجام دهند (یاری، ۱۳۹۶: ۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

از آنجایی که هرگونه توسعه، نیازمند بهره‌برداری و استفاده از منابع طبیعی است و هر نوع فعالیت انسانی تأثیراتی در محیط بر جای می‌گذارد، ضروری است که ابعاد مختلف طرح‌های توسعه به دقت مد نظر قرار گیرد. در این زمینه مهندسان سدساز ایرانی، حرف‌های زیادی برای گفتن دارند و کارهای آنها به لحاظ فنی نقصی ندارد؛ اما باید پذیرفت که در پیوند با مباحث فنی در سدسازی، حلقه گم‌شده‌ای وجود دارد که توجه به مباحث و مطالعات فرهنگی، تاریخی و اجتماعی و زندگی و معیشت مردم است. توجه به این مباحث در مطالعات مرحله اول و توجیهی و بررسی کامل نتایج این موضوع در زمان پیدایش طرح‌ها می‌تواند از بسیاری از آسیب‌ها و عواقب مختلف اجرای یک طرح عمرانی پیشگیری کند.

زمانی که سدی ساخته می‌شود، وضع موجود یعنی رابطه آب با جامعه، تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، محیط زیست، حقوق و حتی دیگر جوامع همجوار دستخوش تغییراتی می‌شود؛ به عبارت دیگر، ساخت یک سد بر سبک زندگی، تعاملات اجتماعی، تفریح، هویت تاریخی، فرهنگ، آیین‌ها، باورها، ارزش‌ها، روان، زبان و اجتماع مردم؛ همچنین بر عناصر پیوستگی اجتماعی و سیاسی، حمل و نقل و جابه‌جایی جمعیت و مهاجرت تأثیر فراوانی دارد. عدم توجه به این مسائل، چالش‌های قومی پرهزینه‌ای را به دنبال خواهد داشت؛ همانگونه که سبب تعطیلی چندساله ساخت سد کنگیر شد؛ لذا اگر برنامه‌ریزی‌ها برای سدسازی درست نباشد، پیامدها و هزینه‌هایی به دنبال خواهد داشت که سود آن را کاهش می‌دهد.

با توجه به شرایط فرهنگی و قومی کشور ما، توجه به جنبه‌های مختلف در مراحل مطالعه، طراحی، اجرا و بهره‌برداری از طرح‌های عمرانی در چارچوب معیارهای پایداری فرهنگی - اجتماعی از اهمیت روزافزونی برخوردار است. از جمله پیامدهای عدم توجه به این مسائل، تأخیر در تحقق فواید اقتصادی و اجتماعی مورد انتظار، ایجاد کندی و در برخی موارد توقف طرح‌ها در مرحله اجرا، ایجاد نارضایتی در جوامع بهره‌بردار به جای رضایت‌مندی، توزیع نامشخص فواید طرح میان ذی‌نفعان، استهلاک زودهنگام تأسیسات و بالا رفتن هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری، پرداخت مبالغ هنگفت بابت

خسارت و استملاک اراضی، افزایش روزافزون تصدی گری دولتی و تقویت روحیه مسئولیت ناپذیری در جوامع محلی و ایجاد وضعیت برنده - بازنده میان ساکنان داخل مخازن سدها و بهره برداران از فواید طرح است. یک توسعه در صورتی داوم و استمرار خواهد داشت که علاوه بر توجهات فنی و اجتماعی - اقتصادی، موجب از میان بردن و تخریب منطقه ای نگردد که قرار است با بهره‌وری از منابع آن بارور شود. در اولویت قراردادن ارزیابی مسائل فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی مردم آسیب پذیر و تأمین نیازهای اساسی ای مانند مسکن و معیشت در چنین جوامعی، مشارکت دادن اجتماعات آسیب دیده در تصمیم گیری برای سرنوشت خود برای حصول نتایج بهتر و استفاده از تجارب کشورهای دیگر در این زمینه ضروری است و شاید بتوان بدین روش، بهتر و بیشتر به مسائل و مشکلات پیش روی طرح های منابع آب پی برد.

منابع و مأخذ الف) فارسی

- ابودلف الخزر جی، مسعود ابن مهلهل؛ (۱۳۴۵)، سفرنامه ابودلف، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار.
- استارک، فریا؛ (۱۳۵۸)، سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام، ترجمه علی محمد ساکی، چ دوم، تهران: علمی فرهنگی.
- اکبری، مرتضی؛ (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل جایگاه ایالت ماسبدان و مهرجان قذق ایلام در دوره خلافت عباسی»، فرهنگ ایلام، دوره ۱۶، شماره ۴۶ و ۴۷، صص ۷۴-۵۵.
- پیگولوسکایا، نیناویکتور وونا؛ (۱۳۷۷)، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت اله رضا، تهران: علمی فرهنگی.
- خسروی، لیلا؛ (۱۳۹۴)، گزارش کاوش در بنای گوریه، تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی، منتشر نشده.
- ساعتیان، رؤیا؛ (۱۳۹۳)، «حفاظت از منظر طبیعی و فرهنگی محیط از طریق راه اندازی اکوموزه»، معماری و ساختمان، شماره ۳۸، صص ۱۵۶-۱۵۹.



- صفاری، امیر و رضا منصور؛ (۱۳۹۲)، «ارزیابی نسبی فعالیت‌های زمین‌ساختی بخش علیای حوضه آبخیز کنگیر (ایوان غرب) با استفاده از شاخص‌های ژئومورفیک»، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، دوره ۳، شماره ۷، صص ۳۵-۵۰.
- عابدی، اکبر؛ (۱۳۹۵)، «پروژه‌های باستان‌شناختی سدهای ایران؛ کاوش‌های نجات‌بخشی اضطراری یا حفاظت و مرمت!!؟»، پژوهش باستان‌سنجی، سال ۲، شماره ۲، صص ۹۱-۹۲.
- قوچانی، عبدالله؛ (۱۳۷۳)، «قلمرو حکومت ابوالنجم بدرین حسنویه به استناد سکه‌ها»، باستان‌شناسی و تاریخ، دوره ۸، شماره ۲، صص ۶۵-۶۶.
- کورس، غلامرضا؛ (۱۳۴۸)، هنر آبیاری و سدسازی در ایران باستان، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- مارکوارت، یوزف؛ (۱۳۷۳)، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
- محمدپور، حامد؛ (۱۳۹۲)، سومر، سرزمین تمدن، تهران: تارنمای تاریخ.
- محمدی، آیت‌اله؛ (۱۳۷۶)، جغرافیای تاریخی ایوان غرب (ایوان کلهر)، تهران: چاپ نهضت.
- مرادی، ابراهیم؛ (۱۳۸۶)، گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوضه آبخیز سد کنگیر، تهران: مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- مظاهری، خداکریم؛ (۱۳۸۹)، «متون کهن و ایالت ماسبدان در قرون اولیه اسلامی»، مجموعه مقالات اولین کنگره بزرگداشت امامزاده علی صالح (ع)، ایلام: نشر دانشگاه آزاد ایلام.
- یاری، محمد، (۱۳۹۶)، طراحی سایت موزه مجازی، گزارش دستنویس، تهران: مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.

ب) انگلیسی

- VandenBerghé, Louis. 1971, "(e) 6th campaign. 1970. Excavations at Bard-e BAL. Surveys in the district of Ayyān at Darvand. Kazāb. Seh Pā. Imamzadeh Gilan Gharbi (Emānzāda-ye Gilān-e Ġarbi):

- “La nécropole de Bard-i BAL au Luristan”. Archéologia, 43. Pp.14-23.
- _____. 1972. “Recherches archéologiques dans le Luristan, sixième campagne 1970. Fouilles à Bard-i BAL ET à Pa-yi Kal. Prospections dans le district d’Aivan (Rapport préliminaire).” Iranica Antiqua, 10. pp. 1-79.
 - _____. 1973. “Recherches archéologiques dans le Luristan. Cinquième campagne 1969: prospections dans le Pusht-i Kūh Central”. Iranica Antiqua, 9. pp. 1-48.
 - _____. 1980. “Des tombes de l’âge du Fer au Luristan. La nécropole de Djub-i Gauhar en Iran”. Archéologia, 138. Pp.32-47.

